



مذاکرات مجلس

دوره ششم تقنینیه

صورت مجلس یوم پنجشنبه ۱۲ آبان ماه ۱۳۰۵ مطابق ۲۸ شهر ربیع الثانی ۱۳۴۵

جلسه ۲۶

دادگر - آقا سید حسن مدرس (مريض) - طباطبائی دیبا - آقا شیخ محمد علی ثابت -
غائبین بی اجازه - آقایان: میرزا سید مهدی خان فاطمی - محمد

مجلس دو ساعت و ربع قبل از ظهر بریاست آقای تدین تشکیل
و صورت مجلس دوم سه شنبه دهم آبان قرائت و تصویب شد.
غائبین با اجازه - آقایان: علی خان اعظمی - میرزا حسین خان

ولی خان اسدی- نوبخت- میرزا علی خان نظام مافی- میرزا ابراهیم خان قوام - محمد هاشم میرزا افسر- میرزا حسن آقا آقا زاده سبزواری - غلامحسین میرزا مسعود - حسن علی خان فرمند - میرزا آقا خان عصر انقلاب - والی زاده جوانشیر- دکتر رفیع خان .

دیرآمدگان با اجازه - آقایان: میرزا حسین خان جلالی- هاشم آقا اسلک مدنی- میرزا علی خان خطیبی - میرزا عبداللہ خان وثوق- میرزا سید احمد بهبهانی - طباطبائی و کیلی .
دیرآمده بی اجازه - آقای داور .

آقای عراقی در تعقیب مذاکرات دوجلسه قبل مجدداً شرحی راجع به لزوم استحضار نمایندگان از نتیجه اقدامات دولت در کشف قضیه آقای مدرس و آقای روحی مختصری مشعر با اظهار مسرت و امتنان از الغاء مالیات سطح الارض تقریر و آقای محمد ولی میرزا طرح قانونی راجع باصلاح ماده دوم قانون دخانیات تقدیم پس از آن راجع بخواهت اوضاع اقتصادی شمال ایران خصوصاً آذربایجان و لزوم علاج فوری برای موازنه صادرات و واردات بذل مساعدت نسبت بمؤسسات اقتصادی داخلی و بالاخره اصلاح وضعیت اداری در مسائل راجعه باسور اقتصادی شرح مبسوطی اظهار و آقای حائری زاده طرح قانونی راجع بالغاء مالیاتهای صنفی تقدیم و بانضمام طرح سابق الذکر بکمیسسیون سبکرات ارجاع گردید .

آقای مرتضی قلی خان بیات نیز در تعقیب بیانات آقای عراقی مختصری تقریر و تقاضا نمودند بدولت اطلاع داده شود در جلسه حاضر و نتیجه اقدامات خود را بعرض مجلس برسانند .

آقای عمادی تقاضا نمودند راجع بطرح تقدیمی ایشان در خصوص تشکیل کمیسسیون اقتصادیات بذل توجهی شده و زودتر تکلیفش معین شود .

آقای رئیس شرحی راجع به توضیح اوقات مجلس بوسیله مذاکرات قبل از دستور تقریر و اظهار نمودند بهتر این است آقایان نمایندگان عقاید خود را از طرفی که نظامنامه معین نموده بموقع اجرا گذارند که مجلس هم از وظائف قانونی خود باز نماند .

آقای ارباب کدخسرو راجع بخسارات وارده بزارعین در سنوات اخیر از حیث گاوگیری و لزوم توسعه موسسه دفع آفات حیوانی و عدم پیشرفت سامورین مؤسسه مزبوره در انجام وظائف خود شرحی تقریر و از آقای وزیر فواید عامه سؤال نمودند علت عدم توجه باین مسائل چه بوده و چه سوانعی در بین بوده است .

آقای وزیر فواید عامه اظهار نمودند اولاً این مؤسسه جدید التاسیس و بدیهی است استفاده از آن بطور اتم و اکمل غیر ممکن بنده است و ثانیاً دولت برای بخارج این مؤسسه اعتبار کافی نداشته لکن در بودجه هدهالسنه مبلغی تقاضای اعتبار شده و امید است در آتی پیشرفت کاملی حاصل نماید بعلاوه دولت از حیث امور مالی اختیاراتی نداشته و غالباً در موقع پرداخت مخارج این قبیل امور در ادارات جزء مالییه مصادف با مشکلاتی می شده است .

آقای شریعت زاده اظهار نمودند از قرار مسموع اهالی مازندران برای توسعه مؤسسه دفع آفات حیوانی حاضر شده اند برای تزریق هر رأس گاو مبلغ یک تومان تأدیبه نمایند آیا این مسئله

صحت دارد یاخیر؟ و در صورت صحت با مقامات مربوطه در این خصوص مذاکره و از طرف وزارت فواید عامه اقدامی شده است یا خیر؟

آقای وزیر فواید عامه اظهار نمودند این مسئله صحیح است بملتی هم پرداخته اند و اقدام هم شده است ولی بواسطه اختلاف نظر بین سامور مالییه و فواید عامه در طرز وصول این وجوه نتیجه کاملی حاصل نشده است و در جواب سؤال آقای پاسائی در خصوص مساعدت دولت بمؤسسات داخلی از قبیل کارخانه کبریت سازی و ریسمان باقی تبریز و کارخانه نساجی اصفهان و قند سازی کهریزک اظهار نمودند راجع به کارخانه کبریت سازی تبریز بقدری که وزارتخانه اختیار داشته است از قبیل تخفیف کرایه راه آهن و غیره نسبت بکارخانه مزبوره مساعدت شده و مساعدتهای دیگری هم تقاضا نموده اند که لایحه آن تنظیم و عنقریب تقدیم میشود و راجع به کارخانه نخریسی و نساجی اصفهان هم بدیهی است دخل آنها وانی بخرجشان نبوده و در صورت مساعدت مالی نسبت بانها مصنوعاتشان بهتر تر و بیخبر خواهد شد و راجع به کارخانه قند سازی کهریزک هم به متخصص که برای ذوب آهن استخدام شده دستور داده شده است کارخانه را باز دید نموده نظریات خود را اظهار نماید ولی اساساً محل کارخانه برای این امر مناسب نبوده و بهتر این است محل آن تغییر داده شود .

خبر کمیسسیون عرایض و سرخصی راجع بسرخصی ده روزه آقای آقا شیخ محمد علی ثابت قرائت و نسبت بان رأی گرفته تصویب گردید .

راپورت شعبه دوم راجع بنمایندگی آقای سلطان محمد خان عسری از نائین قرائت و بواسطه مخالفت آقای امامی موکول بجلسه دیگر شد .

در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و بنامه سه ربع ساعت مجدداً تشکیل و آقای وزیر مالییه سه فقره لایحه قانونی اول راجع ببودجه هدهالسنه و دوم در خصوص فروش خالصجات و جواهرات دولتی و سوم راجع بدیواری حقوق در باره یکنفر از مستخدمین دولت به مجلس تقدیم و به کمیسسیون بودجه ارجاع گردید .

خبر کمیسسیون سبکرات راجع بطرح قانونی آقای حائری زاده وعده از آقایان نمایندگان در خصوص خرید مستمریات و فروش خالصجات قرائت و آقای آقا سید یعقوب راجع بمضار فروش خالصجات و خرید مستمریات و آقای حائری زاده راجع بمحسنات این دو موضوع شرحی تقریر و بالاخره نسبت بطرح مزبور اخذ رأی شده قابل توجه و به کمیسسیون بودجه ارجاع گردید .

آقای بهبهانی راجع به تشکر و امتنان از آقایان اطباء و اعضاء سریضخانه دولتی در استلاج و بستاری آقای مدرس و استطلاع از نتایج اقدامات و تحقیقات دولت شرحی تقریر و آقای وزیر مالییه اظهار مینمودند هیئت دولت اقدامات خود را کمافی السابق تعقیب نموده و سامورین نیز جداً مشغول انجام وظیفه هستند و امید است بزودی نتایج حاصله بعرض مجلس برسد .

آقای حاج میرزا حبیب الله امین راجع به غیبت آقای فاطمی اظهار داشتند که بواسطه مرض و کسالت غائب بودند و نیز آقای فرمند و آقای نوبخت اظهار داشتند که غائب با اجازه بوده و استعجازه نموده اند .

آقای رئیس اظهار فرمودند از کمیسسیون عرایض و سرخصی تحقیق خواهد شد و چون دیگر مخالفی نبود صورت مجلس تصویب شد . یکشنبه ۱۵ آبانماه ۱۳۰۵ .

رئیس مجلس شورای ملی - سید محمد تالدین
منشی - سید ابراهیم ضیاء - منشی - میرزا حسین خان موقر

صورت مشروح مجلس روز پنجشنبه دوازدهم آبان ماه ۱۳۰۵ مطابق بیست و هشتم ربیع الاثنانی ۱۳۴۵

(مجلس دو ساعت و ربع قبل از ظهر بریاست آقای تالدین تشکیل گردید)

(صورت مجلس سه شنبه دهم آبان ماه آقای آقا سید ابراهیم ضیاء قرائت نمودند)

رئیس - آقای عراقی (اجازه)

عراقی - قبل از دستور .

رئیس - آقای روحی (اجازه)

روحی - قبل از دستور .

رئیس - آقای محمد ولی میرزا (اجازه)

محمد ولی میرزا - بنده هم قبل از دستور عرض دارم .

رئیس - آقای حائری زاده - (اجازه)

حائری زاده - قبل از دستور .

رئیس - آقای باسداد (اجازه)

میرزا محمد علیخان باسداد - قبل از دستور عرض دارم .

رئیس - صورت مجلس تصویب شد . آقای عراقی (اجازه)

عراقی - شش روز است که از این قضیه که همه آقایان

محترم را متأثر کرده که عبارت از حمله به آقای مدرس باشد

گذشته و مجلس هم باتمام جدیتی که تصور میشود از دولت

تقاضای تعقیب و کشف قضیه و معلوم شدن سبب و منشاء را کرده

ولی متأسفانه تا حالا از طرف دولت یک اطلاع کافی به مجلس

نرسیده که آن اطلاع موجب این باشد که بنده و سایر آقایان

نمایندگان محترم نیابند و قبل از دستور ا باب تصدیق نشوند .

و چون این قضیه هم یک قضیه ایست که ما غیر از آنکه قبل از دستور

اسباب تصدیق نمایندگان محترم را فراهم کنیم و از رئیس محترم

مجلس تقاضا نمائیم دیگر برای تعقیب قضیه طریقی نداریم . آقای

رئیس الوزراء در جلسه قبل در ضمن نطق خودشان تقریباً اینطور

رساندند که ضارب دستگیر نشده است و علاوه بر این فرمایش آقای

رئیس الوزراء آنچه را که بنده در بعضی جرائد دیدم و شنیده ام

محمد نام هم که یکی از دونفری است که مأخوذ شده تیر شده

است و اختلاف اقوال در این قضیه خیلی شکیده ایم بلکه راجع به

آژان هم نظر دارم که آقای داور تردید کردند قتل آژان را و دولت

گفت آژان کشته شده و بعد از آنکه آقای داور گفتند اگر آژان کشته

شده باید طیب عدلیه و مدعی العموم دیده باشند . جواب دادند که بعد تحقیق میکنم و در یک موقع دیگر به مجلس جواب میدهم . بنده امروز انتظار داشتم که دولت اینجا آمده و آنچه را که در این خصوص تحقیق کرده و بدستش آمده به عرض مجلس برساند ولی متأسفانه می بینیم دولت تا حالا تشریف نیاورده و از تحقیقات دولت هم ما بکلی بی اطلاعیم این است که مجدداً اسباب تصدیق آقایان را فراهم کرده و استدعا دارم بهر طریقی که ریاست محترم مجلس صلاح میدانند بدولت تذکر داده شود که در این جلسه یا جلسه دیگر تشریف بیاورند که به بینیم تحقیقاتی که کرده اند چه بوده است آیا مطلب معلوم شده است یا نشده است ؟ اگر معلوم شده است که خیلی خوب و اگر هم نشده طوری نشود که پیره زنان را به جنایت برند .

رئیس - اگر آقایان محترم موافقت کنند به هیئت دولت تذکر داده میشود که هر چه زودتر نتیجه تحقیقات خودشان به عرض مجلس برسانند . آقای روحی (اجازه)

روحی - عرض میکنم بموجب متحدالمالی که دو روز قبل از نظر آقایان گذشت معلوم شد وزارت مالیات غیر قانونی عسور سطح الارض را که بنده عرض کردم ملغی داشته است و من حقیقه خوشوقتیم که دولت حاضر شده است به اظهارات یک نفر نماینده اهمیت بدهد و حاضر شده است که از یک خلاف قانونی جلوگیری کند بنابراین بنده به نوبت خودم بنام صنف فخار کرمان از دولت تشکر میکنم و خودداری هم نمیتوانم بکنم از برای اینکه یک اقدام بقاعده شده است و یک مالیات غیر قانونی ملغی شده است .

رئیس - آقای محمد ولی میرزا (اجازه)
محمد ولی میرزا - خاطر نمایندگان محترم مستحضر است که یکی از قوانینی که در دوره پنجم تقنینیه مجلس گذشت و به تصویب رسید قانون دخانیات بود این قانون در بعضی از ولایات مخصوصاً در آذربایجان یک مشکلات خیلی عمده را ایجاد کرده است و به یک جهاتی که خود آقایانی که شرکت داشته اند در وضع این قانون در نظر دارند . آنطوری که باید و شاید در اطرافش دقت نشده و یکی از قوانینی است که خیلی به عجله در مجلس گذشت و در عمل دچار مشکلات شده است و مخصوصاً جمعی از نمایندگان محترم و بنده

یک طرحی از نقطه نظر اصلاح ماده دوم آن قانون تهیه کرده‌ایم که تقدیم مقام ریاست می‌کنیم. دیگر اینکه یک قسمت از عرایض بنده این است: در جلسه گذشته آقای حائری زاده بطور کلی یک یک اظهاراتی راجع به تجارت شمال فرمودند و از آقای وزیر امور خارجه راجع به اوضاع اقتصادی مخصوصاً در قسمتهای شمال مملکت سؤال نمودند و آن سؤال خیلی به موقع و بجا بود بعد آقای وزیر امور خارجه وعده فرمودند که یک مذاکراتی است که از مدتی پیش در جریان بود تا هفته دیگر نتیجه آن مذاکرات به عرض مجلس شورای ملی خواهد رسید ولی بنده وظیفه نمایندگی خود را در این میدانم که یک اطلاعاتی که بطور خصوصی تحصیل کرده‌ام راجع به تجارت شمال مخصوصاً در قسمت آذربایجان آن اطلاعات را گوشزد نمایندگان محترم بدارم که در ضمن این مسئله کاملاً منتشر شود، و به عقیده بنده ممکن است این ترتیب نافع باشد برای مذاکراتی که آقای وزیر امور خارجه به آن اشاره فرمودند. البته ما باید یک قدری بی‌پروا تر یک مطالبی را که از این جهات مطلع می‌شویم و می‌بینیم برای اقتصادیات مملکت مضراتی دارد اظهار داریم. اگر هم اشتباهی کرده باشم اهمیت ندارد زیرا یک نفر وکیل ممکن است اشتباهی بکند ولی آقای وزیر امور خارجه که بیاناتی می‌فرمایند باید کمال دقت و مراقبت را داشته باشند و اطراف قضیه را کاملاً بسنجند زیرا مسئولیت اظهارات ایشان از نقطه نظر دولتی یک مسئله دیگری است. وضعیت اقتصادیات شمال و شمال غربی.. (گمان می‌کنم همان ابتدائی که در آذربایجان هست در قسمت گیلان و مازندران و خراسان و در تمام این حدود کم و بیش هست ولی در آذربایجان شاید شدیدتر باشد).

یک نفر از نمایندگان - همه جا یکسان است.

محمودولی میرزا - بنده راجع به سایر جاها آن اندازه‌ها اطلاع ندارم. شاید هم همه جا یکسان باشد. بنده نمی‌خواهم یک شرح مبسوطی راجع به این قضایا عرض کنم فقط یک ارقامی را به سمع آقایان میرسانم و گمان می‌کنم در این قبیل موارد اقتصادی کلیات گفتن چندان تأثیر نکند ولی ارقام از هر نطق و بیانی فصیح‌تر و گویاتر است. در قسمت آذربایجان در تجارت صادره و وارده بنده ارقامی تحصیل کرده‌ام راجع به پنج ماهه سنه حاضر یعنی سنه ۱۳۰۵ و پنج ماهه ۱۳۰۴ و به طور مقایسه همین قدر که اینها را تذکر بدهم و آقایان به ذهن بسپرنند کاملاً معلوم می‌شود که وضعیت چقدر اسف‌آور است که کار از پیشنهادها و تشکیل کمیسیون مطالعه و کمیسیون اقتصادی گذشته است مگر اینکه یک علاج فوری بشود و به عقیده بنده علاج باید مطابق با خود مرض و درد باشد یعنی باید علاج قطعی و موهبی پیدا کرد که تطبیق کند با آن دردی که امروز مملکت مبتلا است و فقط آن ممکن است چاره بکند والا ذکر جریان و مطالعه و پیشنهاد و چیزهای دیگر تأثیر ندارد. در قسمت آذربایجان دو محصول عمده جزو صادرات آن ایالت است. یکی قالی (فرش) و دیگری خشکه‌بار در پنج ماهه اول ۱۳۰۴ قریب یک میلیون و صد و هشتاد و هشت

مانعی دارد که ما هم با کمال دوستی و صداقت بگوئیم (وضعیت مملکت ما هم یک طوری نیست که قضایا پوشیده باشد همان اطلاعاتی را که ما داریم آنها هم از مملکت سادارند) پول نداریم وضعیت زارع و فلاح ساخوب نیست. صنایع نداریم. نمیتوانیم پیش از این به زارع و فلاح تحمیل کنیم. پس اگر ما یک چنین تصمیمی بگیریم این تصمیم مطابقه میکند با آن درد و مرضی که ما مبتلا هستیم. این است که بنده به نمایندگان محترم گوشزد می‌کنم و واقعاً من خیلی متشکر شدم از آقای حائری زاده که ایشان هم تذکر دادند چون گمان نمی‌کردم در یزد مردم آنقدرها گرفتار باشند و ابتلاآت به این شدت باشد.

حائری زاده - خیر آنجا هم گرفتارند. همه جا این ابتلاآت هست.

محمودولی میرزا - در یزد حدادارند. رئاس دارند که صادر می‌شود ولی از آذربایجان کشمش. بادام. مغز بادام. پسته. زردآلو و چیزهایی را که خشکه‌بار می‌گویند صادر می‌شود و این قسمت باعث ضرر شده است. من نگرانم که عمر این مجلس هم به پایان برسد و آقایانی که در دوره پنجم هم تشریف داشته‌اند میدانند که یک کمیسیون اقتصادی تشکیل شد برای علاج همین دردها و خیلی صحبت‌های علمی و اصولی هم شد ولی نتیجه بدست نیامد. این است که بنده عرض می‌کنم در صورتی که آقایان سراققت فرمایند (این وظیفه ما و کلا است بدولت کاری ندارد. اگر دولت دچار یک مشکلاتی شد (البته دولت مایک دولتی است که مشکلات را حل میکند) ولی ما و کلا باید یک تصمیمی اتخاذ کنیم و بگوئیم که قند و شکر تا موازنه در واردات و صادرات ما حاصل نشده تا شش ماه وارد این مملکت نشود و تجربه می‌کنیم به پیشم چه صورتی پیدا میکند. بنده نمی‌خواهم تمام تقصیرات اوضاع اقتصادی خودمان را به گردن سیاست خارجی یا تصمیماتی که همسایه‌های ما از نقطه نظر منافع خودشان اتخاذ میکنند بپردازم. ما خودمان هم یک تصمیماتی داریم. بنده محدود می‌کنم اطلاعات خودم را به قسمت آذربایجان. در این دو سال اخیر یکی از محصولات خودم که در تمام مملکت هست همین گندم و جو است که مگر فروش آنرا هم نداریم و یکی از بدبختی‌های عمده ما همین است و حالا واقعاً یکی از تشکراتی که بنام تجار آذربایجان میتوانم اینجا عرض کنم راجع به این تصمیمی است که دولت اتخاذ کرده است برای افتتاح راه رواندوز و مخصوصاً برای این امر صد هزار تومان اختصاص داده شده است و آقای داور که وزیر فوائد عامه بودند به تبریز تشریف آوردند و مخصوصاً در این باب یک مذاکراتی شد و اجتماع زیادی از تجار شد و بنده هم شرف حضور داشتم مذاکرات زیادی بعمل آمد و این مسئله یکی از اقدامات اساسی است برای اینکه هر مملکتی برای خودش باید طرق متعدده تهیه کند که دچار این بدبختی‌ها و فلاکت‌ها نشود ولی بنده عرض می‌کنم یک قسمت از این بدبختی‌ها بگردن عمال دولت است مثلاً گندم و جو یک متاعی است که خیلی فراوان است و فروش هم نمیرود. در صورتی که در سنه گذشته پنجاه هزار خوراک برای کمک به ارزاق طهران از آذربایجان حمل

شد با وجود این هنوز هم جنس در آنجا فراوان است و محل فروش هم ندارد و شاید تا دیر زمانی هم فروش نداشته باشد ولی با این ترتیبات گاهی تصادفاً یک طوری میشود که این جنس که فروش ندارد مشتری مبرمی پیدا می‌کند که خیلی احتیاج دارد و ما عوض اینکه زود از سر باز کنیم فوری بفروشیم که یک پولی به مملکتمان وارد شود بقدری دچار مکاتبات و مخابرات و قرطاس بازی وزارت خانه‌ها می‌شویم که از استرالیا و کانادا و آمریکا آرد وارد کرده و از ما سبب احتیاجش شده است. این خساراتی که از این طرق وارد میشود فقط و فقط مسئولیتش با این اوضاع اداری است که ما مبتلا هستیم در سنه گذشته در قسمت کردستانات و ساوجبلاغ مکرری (آقای نماینده ساوجبلاغ مکرری هم کاملاً از این قضیه مستحضرند) در اطراف حدود موصل و کرکوک و سلیمانیه و آن نواحی یک قحطی حکمفرما شده بود یعنی محصولات عمل نیامده بود و کاملاً احتیاج داشتند به محصولات ایران. مخصوصاً از آن حدود چهارپاداران خیلی زیادی مال‌های زیادی می‌آورند و تمام هم لیره طلا داشتند برای خرید گندم همین مالیه ساوجبلاغ مکرری می‌گفت تا اجازه از پیشکار مالیه داده نشود نمی‌توانم اجازه حمل بدهم به پیشکار. مالیه رجوع می‌شد می‌گفت باید از مرکز کسب تکلیف شود و برای این کار مجبور بودند که راپورت خیلی مبسوطی تهیه کنند و تحقیقاتی بکنند و خود اینها دو سه ماه طول می‌کشید و بالاخره مراجعه میشد به مرکز و به مرکز هم که مراجعه میشد از طرف وزارت مالیه یک دستوری (که از تمام قوانینی که ما وضع می‌کنیم مفصل‌تر بود) در تحت چهل پنجاه ماده صادر میشد که اگر نگران شرایط بجا آمد و موجود شد و فلانطور شد آنوقت اجازه بدهید چند خرواری جنس حمل شود تا این ترتیبات به عمل می‌آید خرمن جدید دست آمده بود و البته سبب احتیاج آنها شده بود و دیگر لازم نداشتند. همینطور در یک قسمتی از ولایات قفقاز و حدود مجاور دریایچه ارومی در آنجا هم همین قضیه پیش آمده بود و کاملاً مشتری متاع ما بودند که هیچ مصرف داخلی نداشت. باز بواسطه مخابرات و جریانات اداری آنجا هم بکمی صرف نظر از این محصول کردند تا حتی با خود دولت دویست هزار پوط معامله کردند و بالاخره آنرا هم فسخ کردند و پولش را ندادند و گفتند ما از استرالیا جنس وارد کردیم این است که این عرایض که کردم مخصوصاً قسمت اخیرش راجع میشود به وضعیات اداری. دولت باید یک قدری بیشتر به وضعیات اداری توجه کند. بنده مخصوصاً از حضور آقای وزیر فوائد عامه استفاده می‌کنم و این قسمت را به ایشان خاطر نشان می‌کنم که وظیفه اولی ایشان این است که بیشتر توجه کنند و نگذارند جریانات اداری آنقدر به طول انجامد. واقعاً این یک مسئله خیلی مضحکی میشود که ما متصل دم از اقتصادیات سیزدیم ولی وقتی که حوادث هم مساعدت میکنند که از خارج یک پولی وارد مملکت ما شود آن را هم به این سهلی و آسانی از دست میدهیم!! یکی از نتایج اسف‌آور وضعیات اقتصادی که ایجاد شده است از این ارقام که گوشزد کردم این است که مجسم می‌کند وضعیت بدبختی یک ایالتی را.

در دوره چهارم در مجلس شورای ملی آقایان بودند. بنده هم بودم یکی از بهترین و برجسته ترین کارها این بود که یک انحصار و استیلا کارخانه کبریت سازی داده شد. صاحبان این انحصار مخصوصاً به یک صمیمیتی و با یک جدیتی که یک قسمتش نظر خدمت به مملکت بوده است مبالغ گزافی مصرف کردند و یک کارخانه تأسیس کردند که تصور میکنم از بهترین و متجددترین کارخانه های بعضی از نقاط اروپا مثل فرانسه و بلژیک باشد و تمام آن ماشینها را از راه ارض روم و طرابوزان و از آن راهها وارد کردند و این کارخانه را بالاخره درست کردند و سر پا کردند و دائرشد. حالا بواسطه رقابتی که خارجه می کند (البته او هم از نقطه نظر مصلحت اقتصادی داخلی خودش است والا خارجه با ما عداوت ندارد) کبریتی که در داخله تبریز کارخانه درست میکند و بدون اینکه نفعی برای خودش منظور میکند همینقدر که خرج و دخلش مطابقه بکند یک دوچین آن را که اینجا هم بنظر آقایان می رسد می فروشد ده شاهی و کمتر از ده شاهی هم نمی تواند بفروشد. ضرر میکند. چون این کارخانه ششصد هفتصد نفر درش کار می کنند و روزی پانصد ششصد تومان خرج کارخانه است. آن وقت کبریت خارجه وارد تبریز میشود دوچین دوتائی آن بفروش می رود شش شاهی یعنی از چهار شاهی و نیم تا شش شاهی و همین طرز هم در سی فرسخی تبریز می فروشد بدون اینکه کرایه منظور بدارند در صورتی که همین کبریتی را که در آنجا به این قیمت می فروشد در سرحد خودشان به پول ما دوچینی را سه عباسی می فروشد. این خارجه که اینقدر مراقب است در تمام مرادوات خودش این کبریت را اینجاسیدهد شش شاهی در صورتی که در خاک خودش میدهد دوازده شاهی. این هم یکی از مسائل مهم است. درست دقت بفرمائید یک کارخانه که در این مملکت موجود است و با تمام این ترتیبات باز سر پا می ایستد و چرخهایش به گردش است و کار خودش را ادامه میدهد اگر بعد از پنج شش ماه دیگر نتواند خودداری کند و درش را ببندد و آن چهارصد پانصد نفر هم بیکار بشوند درست ملاحظه بفرمائید با آن مذاکراتی که ما در اطراف اقتصادیات میکنیم از نقطه نظر عمل در آتیه یعنی آتیه نزدیکی چه تأثیری خواهد کرد؟ هیچ ضربت اقتصادی از این بالاتر میشود؟ تصور بفرمائید که هر مذاکره و تصمیمی که خارجه بگیرد بعقیده بنده هیچ ضربتی از این بالاتر نیست که یک کارخانه که تجار با فداکاری و خسارتهای زیاد وارد کرده اند بعد مجبور بشوند درش را ببندند. یک کارخانه ریسمان بافی در تبریز هست که هیجده سال بیست سال است دائر است و فقط این کارخانه در جنگ عمومی آنها به یک جهاتی که آنوقت در واقع فرس ماژور بوده چند ماهی تعطیل کرد ولی حالا چند ماه است که این کارخانه تعطیل شده زیرا کارخانه نمی تواند نخی را که عمل می آورد در داخله مملکت بمصرف برساند. الان نخ خارجه می آید در شهر تبریز و از نخی که کارخانه آنجا عمل می آورد ارزان تر بفروش می رود. اینها دردهائی است که واقعاً بنده تصور میکنم هیچ مطلبی از این مهم تر نباشد مگر اینکه از تمام

این گفتارها یک کرداری هم ظاهر شود. دولت و مذاکرات وزارت خارجه و اینها همه به کنار ولی خوب است یک طرحی و کلا و نمایندگان خودشان درست بکنند و یک تصمیمی اتخاذ بکنند که تطبیق کند با دردهائی که مملکت مبتلا است و با دردی که امروزه این مملکت را فلج کرده است برای اینکه این مرض و این وضعیات اقتصادی را با یک چیزهای خیلی کوچک و با دونه خود گنه گنه نمی شود معالجه کرد و باید یک تصمیم قوی اتخاذ کرد تا انشاءالله درمان او را بکنند.

بعضی از نمایندگان - صحیح است.

رئیس - آقای حائری زاده. (اجازه)

حائری زاده - بنده برای موضوع دیگری اجازه خواستم. ولی حضرت والا در ضمن فرمایشاتشان تعجب کردند که بنده در موضوع تجارت شمال صحبت کرده ام و همچو معتقد بودم که تا یزدیها یک گرفتاری پیدا نکنند بنده نباید صحبت کنم یعنی بالاخره همچو ترجمه شد که وکیل وقتی میاید صحبت کند فقط باید از حق همان عده که به او رأی داده اند مدافعه کند در صورتی که همچو چیزی نیست. بنده سرلوحه مرام خودم تهیه و سائل آسایش جنس بشر است آن اندازه که دستم برسد. بنده از گرفتاری چینی ها هم بانداری متأثرم که از بدبختی کرمانی ها اولی راجع قسمت ندارم ساکت می شوم ولی در قسمت کرمان هر موقع که دیدم یک گرفتاری برای آنها پیش آمده و احتمال میدهم که داد و فریاد ما اثر جزئی برش مترتب شود ناله میکنم. بنده اهالی جزیره العرب هم که گرفتار هستند متأثرم و معتقدم که اگر بتوانم یک اقداماتی بکنم که وسائل آسایش آنها را فراهم کنم باید بکنم. برای بنده یزدی و کرمانی و خراسانی فرقی ندارد. اما موضوعی را که خواستم عرض کنم (در تکمیل عرایض جاسات سابق خردم) موضوع مالیات منفی است. این مالیات آن سالی که دولت خیلی از این راه عایدات داشته و بقایای سنوات گذشته را هم وصول کرده است بیشتر از صد و هشتاد هزار تومان نشده و این اصناف هم یک اصنافی هستند که بهمان دلالی که حضرت والا راجع به کبریت سازی آذربایجان ذکر میکردند به اینها هم باید کمک شود که بگدائی نیفتند و این صنایع بختصر مملکت از بین نرود و این صد و هشتاد هزار تومان را هم ممکن است دولت از محل صرفه جوئیها منظور بدارد و این مالیات را موقوف کند. بنده علاوه بر مذاکرات اینجا با آقای دکتر سیسیو و کلنل ماک کرماک هم صحبت کردم دیدم آنها هم نظر مخالفی در این موضوع ندارند از این جهت یک طرحی که حاضر شده و جمعی از آقایان هم اعضاء فرموده اند تقدیم مقام ریاست میکنم واستدعا میکنم از مقام ریاست که بر حسب اختیاری که دارند در عمل تسریع بفرمائید که دیگر ارجاع به کمیسیون مبنکرآت نشود که چند روز معطل شود و چاپ شود و بعد بیاید به مجلس و همین حالا به قابل توجه بودنش رأی بگیرند برود به کمیسیون بودجه (دکتر سیسیو هم من مطمئن هستم موافقت میکند) که به این زودی این مالیات را موقوف کنند.

رئیس - به قابل توجه بودن یک طرح سابقه ندارد رأی گرفته شود ممکن است تقاضای فوریت بکنید. آن یک امری است علیحده والا مطابق معمول و سابقه به کمیسیون مبنکرآت فرستاده میشود نهایت کمیسیون مبنکرآت باید اقدام بکند زودتر راپورتش را بفرستند.

حائری زاده - اجازه میفرمائید؟

رئیس - بفرمائید.

حائری زاده - بنده چون دیدم این لایحه جنبه بودجه دارد و به کمیسیون که مراجعه شود یک شور بیشتر ندارد تقاضای فوریت نکردم و بموجب ماده بیست و سه نظامنامه داخلی از اختیارات مخصوص مقام ریاست است که اگر صلاح بدانند این را ارجاع بدهند به کمیسیون مبنکرآت ولی اگر چنانچه لازم ندانند همیشه قدر که پانزده نفر یک طرحی را پیشنهاد کردند ممکن است به قابل توجه بودنش مجلس رأی بدهد و ارجاع به کمیسیون مربوطه بشود. از این جهت استدعا میکنم که از آن اختیاری که مقام ریاست دارند استفاده کنند و این را بدون اینکه به کمیسیون مبنکرآت فرستاده شود به قابل توجه بودنش رأی بگیرند و بعد هم در کمیسیون بودجه مطرح شود.

رئیس - در نظامنامه مینویسد (رئیس میتواند) بنده هم مصلحت میدانم که به کمیسیون مبنکرآت برود. آن طرحی را هم که آقای محمد ولی میرزا پیشنهاد کردند به کمیسیون مبنکرآت می رود. آقای بامداد (اجازه).

بامداد - جلسه سابق در موقعی که شور کلی مؤسسه رهنی اینجا مطرح بود بنده با کلمه (لای الاقتضاء) مخالفت کردم و در ضمن هم عرض کردم که در ولایات آنهایی که قرض میدهند و به مردم فشار وارد می آورند (از قبیل کلیمی ها یا دیگران) و از این عبارت یک سوء تفاهمی شده در صورتی که بنده هیچ نظر خصوصی نداشتم به اینکه هدای نخواستند توهینی به ملت کلیمی یا دیگران کرده باشم. عرض کردم کسانی که پول دارند چون مؤسسه در ولایات نیست اسباب زحمت شده اند و خوب است این مؤسسه در آنجا زودتر تأسیس بشود چون این طور معامله کردن با مردم بد است و هر کس به مردم فشار بیاورد خوب نیست چه مسلمان باشد چه گبر چه کلیمی و چه غیره.

رئیس - آقای بیات. (اجازه)

بیات - بنده در قسمت اظهارات آقای عراقی و جوابی را که مقام ریاست فرمودند که بدولت تذکر داده میشود که برای اطلاع در مجلس حضور پیدا کنند و یک اظهاراتی بکنند چون حقیقه هم مجلس و هم مردم انتظار دارند که زودتر در این قضیه از نتیجه اقدامات دولت مطلع شوند این است که بنده عقیده دارم روزهایی که جلسه است دولت در آخر جلسه تشریف بیاورند و آقایان را از قضیه مطلع بکنند به این جهت میخواستم استدعا کنم از مقام ریاست که به هیئت دولت تذکر بدهند اگر میتوانند برای بعد از تنفس به مجلس تشریف بیاورند و از نتیجه اقداماتی که در این قضیه کرده اند چون همه مردم و مجلس انتظار دارند بلکه

بتوانند توضیحاتی بدهند و یک رفع انتظاری از مردم بکنند که بیشتر از این مردم به حال انتظار نباشند والا اگر این قضیه طول بکشد و به مسامحه بگذرد اسباب تزلزل و اضطراب اهالی و مردم و مجلس فراهم میشود. استدعای بنده این بود که تقاضا شود در مجلس حاضر شوند و اظهاراتی از نتیجه اقداماتشان بکنند.

رئیس - اطلاع داده میشود. آقای عمادی فرمایشی دارید؟ عمادی - بنده خواستم عرض کنم آن شرحی را که حضرت والا نسبت به شمال غربی و بدبختی های آنجا فرمودند البته خاطر محترم همه آقایان مسبوق است که کلیه ایران در نهایت سختی و روزگار بدبختی میگذرانند مخصوصاً شمال و بهر جای شمال اگر ایشان ملاحظه کنند می بینند که یک گرفتاریها و پریشانیهای هست که مثل حال محضر زندگانی می کنند و با اینکه دارای همه قسم منابع حیاتی و مهم ترین و قوی ترین منابع حیاتی هستند این طور زندگانی می کنند. استدعای بنده این است که آقایان نسبت به آن طرحی که برای کمیسیون اقتصادیات و اصلاح اقتصادیات پیشنهاد شده توجه کامل بفرمایند بلکه زودتر این حال اشغال آور کلیه مملکت تبدیل به یک حال رفاهی بشود.

بعضی از نمایندگان - دستور.

رئیس - از آقایانی که اجازه خواسته بودند دیگر کسی باقی نیست ولی بنده بر حسب ضرورت لازم میدانم نسبت به مذاکرات قبل از دستور برای حفظ مصالح مجلس به عرض برسانم. آقایان تصدیق میفرمایند که اینجا مجلس شورای ملی است و دفته رفته صحبتهای قبل از دستور موضوع را متقلب میکنند و مجلس شورای ملی را تبدیل به یک مجلس نطق و خطابه و کنفرانس میکند. بنده کاملاً با اظهاراتی که آقایان میکنند موافقم ولی مخالفتم از این حیث است که از غیر طریقی که نظامنامه معین کرده است وارد میشوند و به این جهت است که حرف مؤثر نمی شود در صورتی که هر عقیده که آقایان دارند میتوانند بصورت طرح قانونی تقدیم مجلس کنند و تحت شور بیاید و البته عقیده همه معاوم میشود. مطالب دیگری هم اگر دارند میتوانند بطرز سؤال در آورند و البته بعد از ترک این رویه آنوقت وزیر مسؤل هم بیشتر موضوع سؤالات را طرف توجه قرار میدهد و تصور میکنم زودتر حاضر شود (بعضی از نمایندگان - صحیح است) از سؤال هم که گذشت استیضاح در نظامنامه معین شده است. آن هم یک رویه ایست که از آن راه هم میتوان داخل شد ولی الان یک ساعت است که مجلس افتتاح یافته و مجلس نطق و کنفرانس شده است و با این وضعیت حقیقتش این است که برای بنده یقیناً مشکل است که بتوانم اینجا بنشینم مگر یک ترتیبی بدهید که جریان طور دیگر باشد (صحیح است) آقای ارباب سؤالی از وزیر فواید عامه داشتند؟

ارباب کیخسرو - سؤال بنده از وزارت فواید عامه راجع به مؤسسه دفع اسراض حیوانی بود. اینجا وقتی که در سرتاین مذاکرات و اظهارات توجه میشود در واقع تمام آنها متوجه یک اصل میشود و آن وضعیت اقتصادیات مملکت است و جلوگیری از فقر و فاقه. اینجا گاهی صحبت میشود که چرا زودتر راجع به تجارت و واردات

و صادرات قراردادی داده نمیشود ولی یک قسمتهای دیگر هم هست که علاج آن در دست خودمان است و نباید غفلت شود من جمله در حدود سه سال است که مرض گاومیری در ایران شیوع پیدا کرده و بقدری که ممکن بوده در هر جا صدمه به رعایا و فلاحین رسانده و وزارت فواید عامه هم در این خصوص توجهی کرده و دو سال قبل از این یک عده از اشخاص متخصص ایرانی را مأمور بعضی نقاط نموده است که در این باب اقداماتی بکنند اما متأسفانه بعد از آن توجه اولیه طوری پیش آمده است که این مؤسسه دارد رو بزوال میبرد. مثلاً شخصی را که متخصص بوده مأمور آذربایجان کرده بودند که بنده شخصاً او را نمی شناسم ولی شنیده ام بقدری مساعدت به او نشده که بالاخره استعفا داده و روزه فرنگ رفته است و مؤسسه آنجا متحمل شده است و در گیلانات بقدری اسباب مضیق برای مأمور مؤسسه آنجا فراهم آورده اند که بالنتیجه جنون پیدا کرده و باحال جنون بمرکز آمده است دیگر اینکه از طرف مؤسسه بدولت پیشنهاد شده است قرظینه در سرحد استرآباد بگذارند که از مازندران که دچار این مرض شده است اقلاً به استرآباد سرایت نکند و متجاوز از دو ساهه مذاکره شده است که کمی را مأمور قرظینه بکنند و بالاخره مرض به استرآباد هم رفت جاهائی هم که برای نگاهداری گاوسرم تهیه شده بود آنجا هم خراب شده است و دیگر بهیچ وجه توجه نمیشود. گرچه این چند روزه که قضیه آقای مدرس واقع شده بود بنده بعرضخانه دولتی رفتم و آنجا را دیدم دیگر از این حیث گه ندارم برای اینکه دولت یک سررضخانه دارد آنهم در مرکز و به این حال فلاکت است (بعضی از نمایندگان - صحیح است) سفش خراب است و با خشت میخواهند درست کنند!! به هر صورت این ترتیبات بکلی این مؤسسه را دارد از بین میبرد و شنیده ام در این دو سه قسمت کوتاهی شده است و مقدار سرم که تهیه میکرده اند نصفه شده است. و این نصفه را بنده حساب کردم بیست هزار گاو تزیق میشده است که بیست هزار گاو را اگر هر گاوی بیست و پنج تومان قیمت کنیم پانصد هزار تومان قیمت گاوها میشود و اینقدر تفاوت عمل حاصل نمیشود. از آن طرف قریب ششصد گاوسرم زده دارند که هر کدام آنها تقریباً سیصد تومان قیمت دارد باید از آنها سرم بگیرند و به اطراف مملکت بفرستند و آنها دارد از میان میروند و اینطور وضعیتشان مختل است حالا قسمت صحیه را بنده نمی دانم که تا چه درجه آقای دکتر بهرامی که میکوشند پیش ببرند؟! موفقیت حاصل می کنند ولی در هر صورت آن قسمت که برای انسان است آنطور!! و این قسمت که برای حیوان است اینطور!! بعقیده بنده توجه دقیقی لازم است بالاخره در این مملکتی که فقط یک طبقه فلاح مانده است آنهم از میان خواهد رفت از این گاوها همیشه باید یک قسمتش بخارجه برده و از آنجا پول بیاورند و به این جهات هم از آن جلوگیری شده است یعنی گاو که از میان رفت بکلی موضوع همه کارها از بین می رود این بود که خواستم از آقای وزیر فواید عامه سؤال کنم که علت مسامحه چیست؟ و از کجاست؟ و آیا توجهی دارند که جلوگیری از این ترتیبات بشود که تا این اندازه اسباب صدمه فلاحین نشود؟

وزیر فواید عامه - راجع به مؤسسه دفع آفات حیوانی که ذکر فرمودند سه مطلب مختلف هست که باید یکی یکی گفته شود اولیش یکی کلی است که راجع به همه حاجات مملکتی میشود و آن این است که دردها را قبل از وقت باید پیش بینی کرده باشند ولو اینکه سه سال طول بکشد و نسبت به بعضی وقایع گاهی سه سال هم چیزی نیست. یعنی تدارک یک اسبابی در مملکت دیدن که اگر یک وقتی فرض گاومیری در مملکت طلوع کرد انسان بتواند در ظرف یک ماه دو ماه سه ماه از این مسأله جلوگیری کند یعنی ریشه آترا قطع کند اینقدر سهل و آسان نیست در سایر ممالک هم شاید صد سال طول کشیده تا از نقطه اول به نقطه امروزه رسیده اند پارسال یک مقدار سرم در مملکت ساختند و به هر کجا میخواستند ببرند و به گاوها بزنند مردم حدشان در میآید که ای داد و فریاد گاو را می کشند و نمیگذارند (بعضی از نمایندگان - صحیح است) ولی اسسال بواسطه اینکه بعضی نتیجه از این کار دیدند قدری مسایل شدند مخصوصاً در مازندران و آذربایجان گرچه در آذربایجان هنوز هم متکثرند و اسبابهم در اینجا بطوریکه در مازندران فراهم است فراهم نیست. پس قسمت اول این بود که همه کارها قبلاً یک تدارکاتی میخواهد یعنی سالهای خیلی دراز و اشخاص مجرب لازم است که وسائل را موجود کرده باشند تا در یک موقعی که یک بلائی میسرند جلوگیری کنند. اما قسمت دوم این است که الان میکنند آذربایجان را من شخصاً ندیده ام فقط یک راپرتیهای خوانده ام اما مازندران را من خودم شخصاً دیده ام یعنی دو دفعه رفتم و هر دو دفعه به مؤسسه رفتم و خیلی هم دقت کردم جماعتی آنجا هستند رئیسش هم خیلی کافی است و کار میکنند. جمعه هم تعطیل نمی کنند، شبها هم کاری کنند. مثل اینکه خود بنده وقتی رفتم آنجا دو ساعت از شب رفته بودم. همالوقت مشغول کار بودند. یعنی گاوی را خوابانیده بودند و خونش را میگرفتند برای اینکه سرم درست کنند ولی در آذربایجان اینطور نیست و یکقدری عقب تر است اما همین کاری که الان همین اشخاص می کنند و جمعه را هم تعطیل نمی کنند و تا دو ساعت از شب رفته هم کاری می کنند نسبت به حاجت هیچ کاری نمی کنند. برای اینکه اینها دو سه گاو دارند که ناخوش می کنند و بعد از آنها سرم میگیرند و با این اسبابی که دارند روزی صد و پنجاه سرم بیشتر موفق نمی شوند بگیرند و تصدیق میفرمائید روزی صد و پنجاه سرم در یکجائی که دو سه میلیون گاو هست چه فایده دارد؟ چه نتیجه دارد؟ مثل اینکه بنامش بین استرآباد و مازندران قرظینه بگذارند که این مرض به صحرا سرایت نکند مأمورش هم رفت ولی در این ضمن که مأمور به آنجا رفت کاشف بعمل آمد که یک گاو ناخوشی را پوستش را یک دباغی خریده یا برده اند در شش فرسخ آن طرف تر در اول صحرا به او فروخته اند و از همین جهت بطوری مرض در آنجا بروز کرده است که دیگر قرظینه هم فایده ندارد و ملاحظه میفرمائید وقتی که یک مرض در شش فرسخ آن طرف به این شکل بروز کند دیگر قرظینه چه فایده دارد؟ اما مطلبی که هست که آن مطلب شاید یک قدری محل توجه آقای

ارباب بوده باشد این است که با وضعیت حالیه و با ملاحظه همه اطراف کار بیشتر میشده است کار بکنند و کمتر کرده اند. البته بیشتر میشده است کار بکنند و کمتر هم کرده اند ولی باید دید عیب کجا است؟ عیب در دو جا است. اولاً عیب در اعتبار مالی است برای اینکه گاوشان را که مردم مفت نمیدهند به کسی. البته باید خرید. این کار هم پول میخواهد. مأمورینی که باید بروند به اطراف. مفت که نمیروند پول میخواهند بنابراین بنده نمی توانم عرض کنم موافق اعتباری که داشته اند بد کار کرده اند بلکه خیلی خوب کار کرده اند و جان کنده اند. در یکی از محلها که خودم رفته ام و دیده ام شاید آقای قائم مقام الملک هم در مازندران تشریف برده و دیده اند در آنجا خیلی خوب کار کرده اند و تاحدی هم جلوگیری شده ولی البته نسبت به حاجت هیچ کار نشده. ولی ما حالا در برده حالیه یک اعتبار معتدلی برای این مسأله خواسته ایم و به مالیه رفته است و انشاء الله موافقت می کنند و به مجلس خواهد رفت...

آقای سعید یعقوب - کمی به مجلس میآورند.

وزیر فواید عامه - آن دیگر به بنده مربوط نیست. اگر هم بفرمائید کمی تصویب میشود؟ آنهم به بنده راجع نیست. و اگر هم بفرمائید کمی در کمیسیون میگذرد؟ باز هم به بنده مربوط نیست اما الان هم این کار بشود و پول بما برسد باز هم خیلی کار میشود کرد. یک مطلب دیگری هم بنده میخواهم عرض کنم و آن این است که مسؤلیت بی اختیار در دنیا معنی ندارد هر کس هم بگوید حرفی است بی ربط و اثر ندارد. ما الان هفت هشت وزارتخانه داریم اسماً هم وزراء مسؤل هستند. بلی مسؤلند!! ولی چه کار از آنها ساخته است. آنجائی که پای اعتبار در میان میآید هیچ!! از این جهت هیچ کاری از آنها ساخته نیست. فرض بفرمائید بنده یا وزارتخانه یک مأموری میفرستیم به مازندران برای قرظینه. تمام متخصصین هم بعقلشان همچو میسرند که باید قرظینه گذاشت یا فلان اقدام را کرد. و هر کدام هم در حدودی که بنظرشان میسرند میخواهند در دفع آفات حیوانی اقدام کنند. ولی همین که مأمور در محل رفت فوری یک جوان بیست و پنج ساله یا سی ساله که نه از دفع آفات حیوانی سررشته دارد و نه از اهمیت مسأله چیزی میفهمد و نه از سایر ترتیبات اطلاع دارد فوری یک قلم روی آن اعتبار می کشد و میگوید من این را قبول ندارم. خوب در اینصورت بنده چه کنم؟ بالاخره تمام امور عالم به دو چیز منتهی میشود که آن دو چیز هم بالاخره یکی بدیگری منتهی میشود و آن دو چیز عبارت است از دانستن و توانستن. بنده فرضاً همه چیز را دانستم اما وقتی که نتوانم کار بکنم چه فایده دارد. پس تمام کارها در عمل میاید روی قدرت و روی سالیه. تمام اقسام قدرت را هم شما داشته باشید اما وقتی پول نداشته باشید چه می کنید. امروزه وزارتخانه تقریباً یک حرف لغوی است به جهت اینکه تمام اختیارات و روح تمام کارها در دست اشخاص دیگری است. بنده قبول دارم و عرض میکنم که اتفاق نیفتاد که ما یک حرف حسابی را پیش دکتر میلیسیو ببریم و او در حدود امکان و با بودن محل مضایقه کرده

باشد اما تا یک اسری از این اداره برود به آن اداره و از فلان اداره برود به فلان اداره و هر کس اعم از اینکه از موضوع اطلاع داشته باشد یا نداشته باشد، بفهمد یا نفهمد بخواهد عقاید خودش را بگوید البته اینکار دو سه ماه طول میکشد. آنوقت تازه از دربند طهران که گذشتیم میرویم در ولایات آنجا هم باز گرفتار یک اشخاصی هستیم که غالباً ما نمی شناسیم ولی رأی او رأی وزارتخانه و متخصص و اداره و همه چیز را از بین میبرد!! (بعضی از نمایندگان - صحیح است) واقعاً اگر مملکت وزیر میخواهد؟ وزارتخانه میخواهد؟ و و کلاه میخواهند سؤال کنند استیضاح کنند؟ آخر به این وزارتخانه هم باید یک استقلال فکری و مالی و اجرائی داد (عده از نمایندگان - صحیح است) وزارتخانه که استقلال فکری و اجرائی ندارد همین است که می بینید...

آقای سعید یعقوب - شما امروز وکیل شده اید.

وزیر فواید عامه - خیر بنده وکیل نشده ام ولی دردها را باید اینجا گفت تا علاج شود (صحیح است) اگر بنده بیایم اینجا و استخوان لای زخم بگذارم از این کار درد مملکت علاج نمی شود اگر میخواهید کار مملکت مرتب شود شما باید حدودی برای اداره معین کنید و اختیاراتی به او بدهید آنوقت اگر کار نکرد بزنید توی سرش.

بعضی از نمایندگان - صحیح است.

ارباب کیخسرو - اجازه بفرمائید.

رئیس - بفرمائید.

ارباب کیخسرو - اینکه آقای وزیر فواید عامه در قسمتهای مالی یک اظهاراتی فرمودند چون هیئت وزراء مسؤلیت مشترک دارند اگر اشکالاتی پیش میآید خودشان باید قضایا را حل کنند ولی آقای وزیر فواید عامه در ضمن فرمایشاتشان اظهار کردند که ابتدا مقصود بنده آن نبود. بنده هیچ شکایتی از مأمورین وزارت فواید عامه نداشتم و هیچ نخواستم بگویم که آنها قصور کرده یا بوظایف خودشان عمل نکرده اند یا نخواستم که یک مرتبه تمام مملکت پر از مؤسسه دفع آفات حیوانی بشود بلکه عرض کردم در این قسمتهائی که مؤسسه دائر کرده چرا مساعدت کامل نکرده و ترتیب صحیحی نداده اند تا اینکه یکی مجبور نشود استعفا بدهد و دیگری دیوانه شود بنده خواستم علت این را بدانم که خودشان یک قسمتهائی فرمودند والا هیچ نظری نسبت به مأمورین نداشتم و مقصودم این نبود که آنها در انجام وظیفه خود کوتاهی کرده اند. رئیس - آقای شریعت زاده هم در این موضوع سؤالی داشتید. شریعت زاده - بلی سؤالی دارم از آقای وزیر فواید عامه که اگر اجازه میفرمائید عرض کنم.

رئیس - مطابق معمول باید قبلاً اطلاع بدهید، اطلاع داده اید؟

شریعت زاده - اگر موافقت میکنند عرض کنم.

وزیر فواید عامه - بنده حاضر میفرمائید.

شریعت زاده - بنده قبل از اینکه سؤال خودم را عرض کنم نهایت امتنان و مسرت را از آقای وزیر دارم که در پشت تریبون

امروز یک حقایقی را توضیح دادند که اثر سهمش در اوضاع عمومی مملکت مجهول نیست و هیچ لازم نیست که بنده در این باب مفصلاً توضیح بدهم که تا وقتی که در این مملکت یک قدمهای سریعی بطرف اصلاحات برداشته نشده و مادام که وسائل تولید ثروت در مملکت تولید نشده است لااقل باید وسائل سابقه را حفظ کرد که از بین نرود. در این مملکت گاو عامل مهم و مؤثر زراعت است و همچنین عده زیادی از اهالی این مملکت بدین وسیله ارتزاق میکنند. بنده در نظر داشتم توضیحاتی در سؤال خود بدهم ولی توضیحات آقای وزیر بنده را مستغنی کرد و به این جهت از عرض آن توضیحات صرف نظر میکنم اما یک سؤالی از ایشان دارم و آن اینست که از ناحیه مازندران که کاملاً وضعیات حیوانات اهلی آنجا و طرز زندگی آنها در خطر است تقاضا شده و بواسطه توجه به این امر حاضر شده اند که هر گاوی یک تومان از خودشان بدهند تا بلکه به این وسیله این مؤسسه مهم توسعه پیدا کند. بنده خواستم ببینم درین باب تقاضائی از طرف اهالی شده یا خیر و آیا اجراء این تقاضی که نهایت لزوم و فوریت را دارد به مقاماتی که از طرف فواید عامه باید اشعار شود شده یا نه؟ و آنها درصدد تهیه لوازم این کار برآمده اند یا خیر؟ و بعقبه بنده این جزو یکی از مسائل انتقاسی است زیرا عده از اهالی یک نقطه از مملکت تقاضا میکنند که ما حاضریم در مقابل این عمل که نجات بخش است بدولت خودمان کمکی بکنیم و مضاعف مخارج آن را بدهیم. میخواستم بدانم در این باب اقدامی از طرف مبادی که اقتدار در دست آنهاست شده و در صدد برآمده اند که از وضعیات حاضر جلودگیری شود یا نه.

وزیر فواید عامه - دو سؤال دیگر هم آقایان کرده اند اگر موقعش است بفرمایند که جواب هر سه سؤال را یک مرتبه عرض کنم والا جواب همین سؤال را عرض کنم.

رئیس - عجله جواب این سؤال را بفرمائید تا بعد.
وزیر فواید عامه - جواب این سؤال خیلی مختصر است و لازم نبود که بنده بیایم اینجا و جواب عرض کنم ولی حالاً آمده ام بلی اهالی مازندران تقاضا کرده اند حالا که دولت میخواهد وسایل آسایش ما را فراهم کند و پول هم کم دارد ما حاضریم سری یک تومان خودمان بدهیم که بیایند و گاوهای ما را سرم بزیند از طرف وزارت فواید عامه هم حسن استقبال شد نسبت به این حسن نیت یا فهم حاجتی که از طرف صاحبان گاو ابراز شد چون خود فهم حاجت در دنیا مسأله بزرگی است که یک رعیت یا صاحب گاوی فهمیده باشد که میشود یک تومان داد و یک گاوی که بیست تومان قیمت دارد حفظ کرد. وزارت فواید عامه هم اهتمام کرد و مبلغی هم مردم داده اند و مقداری از گاوها هم سرم زده شد ولی باز عرض میکنم عیب مسأله در نداشتن اختیارات است اینجا هم باز مأمور مالیه و فواید عامه زدند توی سر هم که این یک تومان را کی باید بگیرد و کجا باید گرفت و چطور باید گرفت. و در نتیجه این کار هم مختل ماند و آن طوری که باید پیشرفت نکرد...

(خنده نمایندگان)

یک نفر از نمایندگان - بلی مالیه نمیگذارد.

کارخانجات مساعدتی کرده اند یا خیال دارند بکنند یا خیر؟ مسأله دیگر اینکه این کارخانجاتی که فعلاً در طهران است از قبیل کارخانه قدریزی کهریزک و نساجی طهران همینطور بیکارافناده است. چه اشکالی دارد که اینها را بکار بیندازند؟ بطوری که بنده شنیده ام با سیصد هزار تومان یا یک کروور ممکن است این کارخانه قندسازی کهریزک را بکار انداخت. فرضاً هم که یک کروور باشد چه ضرری دارد از این اعتباری که اسمال به اسم اضافه حقوق به مستخدمین مرکزی داده اند این مبلغ را صرف بکار انداختن این کارخانه بکنند؟ اشکال مالی در کار است اشکال داخلی یا خارجی در کار است؟ چه مانعی دارد یک پولی صرفه این کار بکنند و این کارخانجاتی که با زحمات زیاد در مملکت وارد شده است بکار بیندازند؟ خوبست آقای وزیر اظهار بفرمایند اقداماتی در این باب کرده اند یا خیر؟

وزیر فواید عامه - قبل از اینکه جواب سؤال را بدهم ناچارم یک مقدمه را عرض کنم. همچو تصور میکنم که آقای یاسائی عراض بنده را درست نفهمیدند و یا طور دیگر در نظرایشان جلوه گر شد. بنده ایداً مخالف با اقتدارات مالیه و مخالف با قانون مجلس نیستم و یکی از اشخاصی هستم که کاملاً موافق با این ترتیبات هستم ولی این مانع این نیست که من هم (چرا من بگویم؟) یک وزیر یا یک مدیر اداره هم از خودش اختیار داشته باشد که در ولایات بتواند پنج تومان خرج کند. با این ترتیب عراض مملکت هیچ نمیچرخد. اگر میچرخد، خیلی خوب، بچرخد، بنده هم هیچ حرفی ندارم. زیرا برای اینکه یک تومان خرج شود تا راپورت بیاید بطهران و از فلان وزارتخانه بمالیه برود و بمقامات مربوط برود و تصویب شود و به محل برود این خودش شش ماه طول دارد. فرض بنده این است که ممکن است برای وزارتخانه ها هم یک حدودی و یک چهار دیوارهایی معین کرد و یک اختیاراتی داد که بتوانند مسؤلیت خود را انجام دهند. بنده اختیار بزرگ هم نمیخواهم ولی یک اختیار کوچولو کوچولو که باید داشته باشند والا بنده با اختیارات مالیه، مخالف نیستم و نمیگویم چرا فلان اداره اختیار دارد یا ندارد. بنده خودم از اول جزء پروپاگاندهای این اساس بوده و هستم و تمام این قانونی که راجع بمالیه نوشته شده صحیح میدانم ولی چنانکه عرض کردم این مانع از این نیست که یک اختیارات کوچکی هم بموجب تصویب مجلس تا حدی که لازم است بدیگران داده شود تا بتوانند در موقع کار خودشان را بکنند. بهر حال مقصود بنده آن نبود که جناب عالی استنباط فرمودید. یک جمله دیگری هم در فرمایشاتشان فرمودند که فقط آن را بنده یادداشت کرده ام. فرمودند خوب بود عوض اضافه حقوقهایی که میدهند یک رعایتی هم از این مؤسسات اقتصادی بشود. بدیهی است یکی از مسائل این است که کار مملکت باید با آدم درست شود. مملکت نفقات میخواهد تا کار مملکت اداره شود و اگر مقتضی شد اضافه حقوق هم باید بدهند ولی شخص بنده ایداً به اجزاء و اعضاء خودمان با اینکه ناله هم کردند گریه هم کردند، مع ذلک اضافه نداده ام با اینکه شاید بعضیها بی حق هم

نبودند ولی ندادم. حالا این سه قتره سؤالی را که فرمودند جواب عرض میکنم. راجع به کارخانه کبریت سازی خود بنده در تبریز بودم که این ماشین وارد شده و به یک جهاتی هم به آنها لطمه خورده ولی آن کارخانه سه چهار سال است کار میکند حالیه هم بعضی اظهارات کرده و یک مساعدتهائی میخواهد آن مقداری که در حیطة قدرت وزارت فواید عامه بود مساعدت شد مساعدتهائی که از ما خواستند عبارت بوده از نصف کرایه گرفتن در راه آهن یا در کشتی و غیره که انجام شد و یک تنازاهای دیگری هم کرده اند که لایحه اش تهیه شده و بمرا کزی که باید فرستاده شود فرستاده شد و اگر موافقت حاصل شود انجام خواهد شد اما آمدیم برسر کارخانه نخریسی که قبل از همه خودمان توی هیچیم. بنده خودم با سایر شرکاء یک کارخانه نخریسی بیرون دروازه داریم اول کسی هم که کارخانه نخریسی درین مملکت آورده و دائر کرده خانوادۀ ما یعنی مرحوم صنیع الدوله و حاج محمد تقی بودند حالا این بماند اما راجع به کارخانه نخریسی که مقصود جناب عالی است لازم است عرض کنم که این کارخانه خیلی گران وارد شده و مخارجش هم زیاد است ممکن است نصف یا ثلث مخارجش را تصویب فرمائید بدهند تا این کارخانه از کار نیفتد زیرا با سرمایه خودش صاحب کارخانه نمیتواند مخارج این کارخانه را تأدیه کند ولی عجله مشغولند و کار میکنند و دولت هم یک مبلغی به آنها قرض داده است که نتوانسته اند تا کنون بپردازند یعنی بانک پهلوی این قرض را داده است ولی همین قدر میدانم که خرجش نسبت بدخل خیلی زیادتر است و هیچ وقت درست در نمیآید. مگر اینکه تصویب فرمائید یک مبلغی به آنها بدهند که جبران ضررش شده خرج و دخلش موازنه شود. اما پارچه بافی - کارخانه پارچه بافی درین شهر نیست. یک اشخاصی یک دستگاههایی دارند و بنده مسیوقم که عده ای یک دستگاههایی از خارج آورده اند و ده تا ازین دستگاهها را در تکیه دولت گذاشته اند ولی کار نمیکند باید از خودشان پرسید چرا کار نمیکند نه مال دولت است و نه بما کاری دارد اما دستگاههایی که راجع به کورس است کار میکند. اما راجع به کبریت آذربایجان خودمان. اینکه فرمودید مردم خوبست کبریت آذربایجان را ولو گرانتر باشد بخرند یا پارچه اصفهان بپوشند این را هم بنده معتمد و کار صحیحی است. بنده خودم هرچه کبریت میخرم مال تبریز است و پارچه هم اگر لازم داشته باشم مال اصفهان را میخرم ولی سایر آقایان و مردم البته مختارند. اینکه فرمودند یک تدبیری باید کرد که کبریت خارجه در اینجا وارد نشود این هم خیلی مشکل است راجع به کارخانه قند سازی کهریزک. از اول تأسیس این کارخانه را بد جائی ساخته اند. بنده خاطر م است در همان اوقات هم مرحوم صنیع الدوله با مسیودنی محاجه زیاد کرد که کارخانه قدریزی را در کهریزک نیسازند حتی مسافرت هم کردیم رقیتم و دیدیم. گفتم کارخانه قندسازی یا باید در دهنة کرج ساخته شود یا لب رودخانه جاجرود. زیرا کارخانه قندسازی آب زیاد لازم دارد و باید در لب رود ساخته شود نه جائی که مالی یک مرتبه زراعت میشود. کهریزک جائی است که دهات

اطرافش ولو است و از هم فاصله دارد و آبش هم خیلی کم است و هیچ وقت کارخانه قند سازی در کهریزک فائده ندارد ولی یک جماعتی آمده اند و این کارخانه را خریدند و خیلی هم مایلند که آن کارخانه دائر شود ولی در کهریزک راه نمی افتد این متخصص که ما برای آن ذوب کنی آورده ایم همه جور کارخانجات رادیده است من جمله کارخانه قند سازی را هم دیده است و کار هم کرده است. ما با او مذاکره کردیم. حتی پریروز بنده بدو گفتم حالا که طول دارد شما آن ذوب کنید بعضی معادن در اطراف هست و خوبست شما بروید آنها را ببینید خودش هم بخمال سیمان افتاده بود و خیلی خوب خیالی هم هست بنده به او گفتم ضمناً خوبست بروید کارخانه قند سازی را هم ببینید و اسبابهای او را معاینه کنید. گرچه تمام اسبابهای ظریف و لطیف آن را برده اند و فقط یک مقداری دیگهای چدنی و غیره باقی است و یک عمارتی هم هست به او گفتم درست همه جا را ببینید شاید ممکن شود به وسائلی این کارخانه را اداره کرد و براه انداخت ولی سلیقه خودم اینست آنهایی که این کارخانه را خریدند از زیناء عمارت کارخانه صرف نظر کنند و این کارخانه را جائی دائر و تأسیس کنند که آب زیاد داشته باشد. سؤالات گمان میکنم همینها بود که جواب عرض کردم. رئیس - خبر کمیسیون عرایض و سرخصی راجع برخصی آقای آقا شیخ محمد علی ثابت قرائت میشود.

(به شرح ذیل قرائت شد)

آقای شیخ محمد علی ثابت نماینده محترم قزوین بواسطه کسالت مزاج از تاریخ پنجم آبان ده روزه اجازه سرخصی خواستند کمیسیون عرایض و سرخصی تصویب مینماید. رئیس - رأی میگیریم بمفاد این خبر آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند.

(عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. خبر شعبه دوم سابق راجع به انتخاب آقای سلطان محمدخان عاسری از نائین.

(آقای ضیاء راپرت شعبه دوم را بشرح ذیل قرائت نمودند)

انتخابات حوزه انتخابیه نائین در تاریخ پنجم اسفندماه ۱۳۰۴ شروع و موافق ماده ۱۴ قانون انتخابات سی و شش نفر از طبقات شش گانه و معتمدین محل دعوت اعضاء اصلی و علی البدل انتخاب و بلافاصله انتخاب هیئت رئیسه بعمل آمده و موافق ماده ۱۶ قانون انتخابات ترتیب انجمن های فرعی انارک، عقدا، نیستانک را داده اعلان انتخاب منتشر و مدت توزیع تعرفه و اخذ رأی را معین نموده اند در مدت معینه در نائین ۳۴۰۰ در عقدا یک هزار و هفت در نیستانک ۵۸۱ و در انارک ۲۶۹ ورقه تعرفه توزیع و اخذ رأی شده است.

مجموع تعرفه های منتشره و آراء مأخوذه در حوزه های اصلی و فرعی بالغ بر ۵۲۰۷ و در نتیجه قرائت و استخراج آراء آقای سلطان محمدخان عاسری به اکثریت ۳۷۰۴ رأی در درجه اولی بنماینده مجلس شورای ملی از نائین (با رعایت مراتب قانونی)

انتخاب شده اند شعبه دوم در تاریخ ۲۲ اسفند ۱۳۰۵ بعد از رسیدگی به مدارک و جریان اسر صحت انتخابات حوزه انتخابیه نائین و نمایندگی آقای سلطان محمدخان عاسری را تصدیق و خبر آن را به مجلس شورای ملی تقدیم می دارد.

رئیس - پیشنهاد آقای روحی مورد ندارد. چون سابقه ندارد خبر شعبه از دستور خارج شود. رأی میگیریم...

سیرزا جوادخان امامی - بنده مخالفم.

رئیس - میماند برای جلسه بعد. چند دقیقه تنفس داده میشود.

(درین موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از سه ربع ساعت مجدداً تشکیل گردید)

وزیرمالیه - لایحه قانونی بودجه مملکتی راجع بسنه ۱۳۰۵ و لایحه قانونی برای فروش خالصجات و لایحه قانونی فروش جواهرات دولتی است که تقدیم مجلس شورای ملی میشود. یک لایحه هم است برای پانسیون یکی از مستخدمین.

رئیس - به کمیسیون بودجه ارجاع میشود. خبر کمیسیون سبکرات راجع به طرح آقای حائری زاده وعده از نمایندگان محترم درخصوص خرید مستمریات و فروش خالصجات قرائت میشود.

(به شرح ذیل قرائت شد)

طرح قانونی آقای حائری زاده و جمعی دیگر از نمایندگان محترم راجع بفروش خالصجات و خرید مستمریات در جلسه بیست و یکم مهرماه (۱۳۰۵) مطرح شده به اتفاق آراء اعضاء کمیسیون سبکرات طرح مذکور را قابل توجه دانسته و معتقدند که به کمیسیون قوانین مالیه ارجاع شود.

رئیس - نسبت به ارجاع این طرح به کمیسیون قوانین مالیه لازم است تذکر بدهم برطبق نظامنامه و سابقه که عمل شده است نسبت به لایحه که در بیست و هشتم اردی بهشت (۱۳۰۴) در زمان وزارت مالیه آقای فروغی تقدیم مجلس شده است. باید این طرح هم در صورتی که قابل توجه بشود به کمیسیون بودجه برود آقای سیرزا یدالله خان. (اجازه)

آقا سیرزا یدالله خان - بنده با اصل موضوع مخالفتی ندارم فقط در قسمت مستمریات عرضی داشتم که در موقع خودش عرض خواهم کرد.

رئیس - در ستون مخالفین اجازه خواسته اید. آقای آقاسید یعقوب. (اجازه)

آقاسید یعقوب - چون هنوز راپرت کمیسیون مربوطه نیامده است بنده متأسفانه با هر دو جزئش مخالفم و اگر مجلس اجازه میدهد ادله خودم را در هر دو قسمت عرض کنم یا بعد از آنکه راپرت آمد عرض کنم ولی چون با این راپرت که کمیسیون قابل توجه دانسته مخالفم. عرض میکنم از دوره چهارم که بنده به نمایندگی مفتخر بودم تا کنون موفق نشده ایم یک قلم مستمری را بکلی حذف کنیم و ممکن نشده است از این کتاب بی پیرمستمریات سالی یک قلم حذف شود بلکه همه ساله هم اضافه شده است و گمان نمیکنم در مملکت ما با این اوضاع و ترتیبات فعلی این ساله

و بنده نمیتوانم قلب خودم را مطمئن کنم که یک اصول اطمینان بخشی در مملکت ما هست که در تحت آن اصول بتوانم اطمینان باین مسئله بکنم در وقتی که پروگرام رئیس الوزراء مطرح بود در این ماده عرض کردم که عقیده بنده این است که دولت تمام قوای خودش را صرف تأمین قضائی کند و بقدری که ممکن است در این قوه بکوشد بعد از تأمین قضائی که کاملاً بنده مطمئن شدم بحکم کمی عبا بنده برداشته میشود، آیا بحکم محکمه برداشته میشود؟ و مطابق قانون اساسی دانستم که محکمه فاصل و قاطع خصومات و منازعات است و قاطع خصومات عدلیه است همان حرفهایی که اول مشروطیت زدیم و خودمان را باین روز انداختیم و گفتیم که در مقابل زنجیر عدالت تمام مساوی الحقوق هستیم. بنابراین لازم است دولت تمام قوای خودش را صرف اینکار بکند که هر کس توی خانه اش بخوابد مطمئن باشد که قوه قضائیه حافظ جان و مال او است و لازم نیست هر روز بیک آثاری که سابقین برای ما تهیه کرده اند از قبیل خالصجات و جواهرات باینها دست بزنیم و تهیه نقدیمان را بیک الفاظی برایگان از دست بدهیم. بنده این اصول را همیشه در نظر دارم. اگر مجلس هم متوجه این اصول باشد کارها و چرخهایی که از کارمانده است براه می افتد از این جهت بنده هم با فروش خالصجات مخالفم و هم با خریدن مستمریات این بود عرایض بنده.

رئیس - آقای حائری زاده (اجازه)

حائری زاده - از فرمایشات رفیق محترم بنده بر من معلوم شد این طرحی را که پیشنهاد کرده ام درست مطالعه نکرده اند. یک کلیاتی فرمودند که تمام بجای خود صحیح است ولی اینها هم نمی شود منکر شد که خالصجات باین صورتی که امروزه هست علاوه بر اینکه برای دولت عایدات صحیحی ندارد یک مخارج زیادی هم دارد. اسلاک مجاورش را هم خراب میکند. ترتیبی که برای فروش خالصجات در این لایحه در نظر گرفته شده است ابتداء اینبه مخروبه که فعلاً محل لزوم نیست بعد این ربطهایی که در بیابانها سلاطین قدیم ساخته اند که نه کسی میتواند برود آنجاها بنشیند و نه ممکن است دولت آنجاها را تعمیر کند و عایداتی از آنجاها بردارد همینطور چا پارخانه های دولتی که در بین راهها هست. قراولخانه هایی که طرف حاجت نیست برای اینکه طرز زندگانی امروز با آن روزی که دولت بآنها احتیاج داشته است فرق کرده است و هیچ شباهت ندارد. خانه ها و باغها و دکا کین و سایر اسلاکی که در شهرها هست و برای دولت هم طرف حاجت نیست و یک مخارج زیادی برای دولت دارد. دکا کین دولتی که توی بازار هست. اگر گاه گلی مالی نکند خراب میشود اگر هم گاه گلی مالی بکند که بقدر قیمتش برایش خرج تراشی میکنند. دولت برای کسب و کار خوب نیست. دولت باید وقت خودش را صرف حفظ امنیت مملکت بکند اما راجع بخريد مستمریات همان شکل که برای آقا شتابنده بود برای بعضی اشخاص هم در خارج اشتباهی پیدا شده بنده توسط پست شهری خطوطی داشتم که نوشته بودند تویستخواهی مستمریات را قطع کنی. تو آدم بدی هستی. در قسمت دوم موافقم ولی برای قطع مستمریات تصور میکنم کاتب اشتباه کرده باشد آدمی که

صورت بگیرد و حقیقه بیشتر از این نمیتوانم در این موضوع شرح بدهم که هنوز دولت یک محل اتکاء محکمی داشته باشد که بتواند قوانین را اجراء نماید. یک طوری است امروز دولت مستمریات را میخرد پس از آنکه خرید پس فردا به هر ترتیبی که ممکن است یک لایحه مستمری توسط وزیر مسئول تقدیم مجلس میشود و میرود به کمیسیون. هنوز باب شفاعت و توسط در مملکت ما مفتوح است همان مستمری که با هزار زحمت خریدیم و ازین بردیم باز این سوراخ که گرفته شد یک سوراخ دیگری باز میکند و هنوز آن زمینه پیدا نشده است که دولت ایران که سالهای سال است مستمری میداده است بیاید خود را خلاص کند و دیگر مستمری ندهد این عملاً ممکن نمیشود حالا در مقام لفظ ممکنست آقای حائری زاده با طرفداران ایشان بیایند در پشت تربیون و بقدری ادله خوب ذکر بکنند و شاید خود آقای رئیس الوزراء و وزیر مالیه هم بگویند عملی میشود ولی لفظ است و در مقام عمل نیست. این رئیس الوزراء نباشد کسی دیگر باشد بقدری این سلا و آن سید و آن شاهزاده باو فشار میآورند که ناچار میشود چنانکه ما نتوانستیم تا کنون یک قلم از این مستمریات را ازین ببریم. پس این طرح هم عملی نخواهد شد آنوقت در مقابل این امر غیر عملی مسئله که عملی است فروش خالصجات است. کدام خالصجات؟ خالصجات شهریاری. و راسین ساوجبلاغ اینها است. ما میخواهیم یک خالصجاتی که در کمال خوبی و حقیقه مایه اسیدواری بوده است آنها را بفروشیم آن هم باین ترتیب و اینطور که اطمینان نداریم پول آن در کجا جمع میشود و چطور میشود. باین ترتیب یک خالصجاتی که عام المنفعه است برای مملکت از دست میرود. حالا تاریخ خالصجات را بخواهم عرض کنم که از چه زمان پیدا شده است. از زمان نادر یا بعد از او است. این خارج از موضوع است. یک خالصجاتی در زمان قاجاریه بوده است بعد دو قسم شده است یعنی یک قسمت عنوان انتقالی پیدا کرده و یک قسمت غیر انتقالی اما خالصجات انتقالی که مدت ها است رعایا و کسانی که نزدیک این آتش سوزان دست برده اند فریاد میزنند که دولت بیا خالصجات خودت را ضبط کن. دولت حاضر نمیشود. این خالصجات انتقالی یک بلای مبرمی شده است برای مردم. در ملایر هست. در شیراز هست. در اصفهان هست. در همه جا هست. هنوز دولت موفق شده است یا نتوانسته است یک طوری بکند که این خالصجات که اسباب صدمه فوق العاده برای سالکین واقع شده است یک قانونی پیشنهاد کند که اینها را چه کارش باید کرد. بعینه حکایت خیک پنیتر شده است. دولت هیچ فکری برای خالصجات انتقالی که ما به الا ابتلاء همه است نکرده حالا بیاید خالصجات موجودی را که طرف احتیاج همه است بفروشد!! در کمیسیون بودجه هم مذاکره شده است که در استخراج این خالصجات یک تصرفاتی بکنید خیلی منافع برای بودجه مملکت دارد. حالا امروز در معرض فروش در آوریم. بنده که هیچ اطمینان ندارم نه اینکه بدولت و وزیر مالیه اطمینان ندارم. پاکه جریان طوری است که اطمینان بخش نیست و نمیتوانم اطمینان بکنم که این پولها برود در یک بانگ فلاحتی و برای زراعت و فلاحات مانافع باشد

ماهی هشت تومان شهریه دارد ما اگر بیائیم یکمرتبه چهارصد و هشتاد تومان باو بدهیم که برود کسب بکند و هر روز پشت در وزارت سالیه نایستد مسلماً کمال رضایت را دارد. برای اینکه این آدمی که تمام چشم امیدش باین است که کمی پول مالیات وصول میشود؟ و کی آقای وزیر مالیه لایحه دو دوازدهم پیشنهاد میکند و کی از تصویب مجلس سیگذرد بعد از آنهم که تصویب شد آنوقت سه روز هم پشت اطاق محاسبات معطل میشود اگر یک قلم چهارصد و هشتاد تومان بگیرد بدینهی است مطابق صرفه و صلاح او است و اگر دولت سالی چهارصد پانصد هزار تومان از این مستمریات را خریداری نماید مطابق مصلحت آنها است. برای اینکه این از بودجه دائمی که همیشه در مقابل چه داده است؟ یکمشت چیزهایی که دخل و خرج نمی کرده است یا خرجش علاوه بردخلش بوده است اگر در این مسئله دقت فرموده بودند اعتراف میفرمودند که کار خوبیست ولی بنده وقتی که این لایحه را تقدیم مجلس کردم این لایحه را بنده تنظیم نکرده بودم این لایحه ایست که در دوره چهارم از تحت نظر دکتر میاسویگه شده بود و در زمان وزارت مالیه آقای فروغی و ریاست وزرائی اعلیحضرت بعلوی بمجلس تقدیم شد چون وقت کم بود ولوایح زیاد، مجلس پنجم فرصت نکرد این لایحه را مطرح کند و بنده اصلاً در این خیال بودم که دولت لازم است لایحه در باب خالصجات بمجلس بیاورد ولی منافات ندارد که ما این را هم بجریان بیندازیم و خوشبختانه تصادف کرد روزی که در اطراف این طرح باید مذاکره کنیم با اینکه آقای وزیر مالیه هم لایحه فروش خالصجات را بمجلس آوردند حالا بنده آن اصراری که داشتم برای مطرح شدن این موضوع اصرار من کم شد لایحه دولت که مطرح میشود نظر من را تسأین میکند و کمیسیون بودجه یا کمیسیون مالیه هم هر کدام نظری در آن بنمایند خیلی با مناسبت است اما این طرحی که بنده پیشنهاد کردم مناسب کمیسیون مالیه بود چون مربوط به اسسال یا سال آتی نیست برای اینکه این یک قانون تکلیفی است از برای وزارت مالیه و یک چیزی نیست که مربوط بودجه سنه حاضر یا آتی باشد.

رئیس - آقای بیات موافقت؟

بیات - بلی.

رئیس - آقای یاسائی.

یاسائی - بنده هم موافقم.

رئیس - آقای فهیمی.

فهیمی - بنده در باب ارجاع بکمیسیون بودجه عرضی دارم.

رئیس - بطوریکه هم بنده عرض کردم و هم آقای حائری زاده در آن تاریخی که تقدیم مجلس شده بود از طرف مجلس بکمیسیون بودجه ارجاع شده بود و صحیح هم بود حالا هم برطبق نظامنامه بکمیسیون بودجه باید مراجعه شود.

وزیر مالیه - مسئله خالصجات انتقالی را که متذکر شدند این مسئله هم خیلی اسباب ابتلاء مردم است برای اینکه هر کدام یک طرز مالیات و یک طریق وصول و ایصال علیحده دارد این کابینه هم از اول که روی کار آمد مجالی برایش پیدا نشد که در این باب

مطالعه بکند و لایحه آن را تقدیم مجلس نماید که مالیات خالصجات انتقالی هم مثل مالیات اسلاک اربابی شود و خرید آنها هم بایک تفاوتی باشد.

رئیس - رأی گرفته میشود بقبول توجه بودن این طرح آقایانی که این طرح را قابل توجه میدانند قیام فرمایند. (اغلب برخاستند).

رئیس - قابل توجه شد. اگر آقایان موافقت بقیه دستور این جلسه بماند برای جلسه بعد آقای بهبهانی. (اجازه)

بهبهانی - بنده اولاً لازم میدانم که از اجازه خودم استفاده کنم و قبل از سئوالی که میخواهم در این زمینه بکنم تشکری از کارکنان مریضخانه دولتی و دکترهایی که مواظب آقای مدرس هستند بکنم برای اینکه امروز صبح که خدمتشان بودم و این چند روزه که مکرر خدمتشان میرسیمم شهادتاً آنوقتاً حال ایشان روبه بهبودی است و خودشان هم فوق العاده متشکر و ممنون از کارکنان این مریضخانه هستند. بنده بنوبه خود لازم میدانم و اگر آقایان هم اجازه میدهند از طرف آقایان اولاً از آقای لقمان الملک ثانیاً از احیاء السلطنه که کاملاً اسباب آسایش و رفاهیت و پرستاری ایشان را فراهم کرده اند.

بعضی از نمایندگان - اعلم الملک...

بهبهانی - و هم چنین از آقای اعلم الملک و سایر دکترهایی که نسبت بایشان اظهار مساعدت کرده اند بنده تشکر میکنم و همچنین از همه اعضاء مریضخانه. برای اینکه آقای مدرس مخصوصاً از آن پرستاران هم خیلی اظهار استننان میکردند. ثانیاً در سؤالی که بنده خدمت اعلیحضرت شرفیاب نمودم خودشان میفرمودند که من در این قضیه فوق العاده اهتمام کرده ام و شبانه روز چندین مرتبه مطالبه میکنم و اظهار امیدواری هم کردند که کشف حقیقت بشود لذا باز خدمت آقایان وزراء عرض میکنم بحمدالله که وسائل پیشرفت کار از هر جهت فراهم و عامه متوجه کشف این قضیه هستند و امروز چندین روز است که از این قضیه گذشته است و امیدوار بودیم که آقایان امروز یک نتیجه بیاورند و البته از پررور تا بحال هم یک تحقیقاتی کرده اند و یک اهتماماتی در این باب فرمودند بنابراین استدعا میکنم چنانچه آقایان حقیقت مطلب را که تا بحال کشف کرده اند فرمایند که اسباب آسایش و کلاء اولاً وعموم مردم ثانیاً بشود.

وزیر مالیه - آنچه بنده اطلاع دارم از روز اول بخصوص پررور که از اینجا سرخص شدیم تا امروز آقای رئیس الوزراء مشغول اقدامات برای این کار هستند و اعلیحضرت همایونی هم بسالستی تشریف آورده اند ایشان هم راجع باین مسئله کمال اهمیت را میدهند و دیروز هم در اول وهله که آقای رئیس الوزراء حضورشان شرفیاب شدند اول مسئله را که مذاکره کردند این مسئله بود بنابراین با توجه نمایندگان و تکلیفی که دولت دارد و خود اعلیحضرت که بیش از همه کس طرفدار امنیت و واقعاً واضح امنیت جدید ایران هستند و اعلیحضرت همایونی هم همانطور که آقای بهبهانی فرمودند رئیس نظمی هم آنجا بود و او اسرؤ که

دیگر هم طول بکشد و بنده نمی توانم بگویم چهار روز یا پنج روز بیشتر طول نمی کشد آقایان باید مساعدت کنند و البته جواب هم مطالبه کنند و در اقدامات خودشان مشغول باشند ما هم در سهم خودمان مشغول اقدامات هستیم تا اینکه انشاء الله نتیجه بدست بیاید.

رئیس - آقای شریعت زاده. (اجازه)

شریعت زاده - عرض بنده راجع به این موضوع نبود.

رئیس - آقای باسداد. (اجازه)

باسداد - از سئوال وجوابها معلوم میشود که آقایان وزراء خیال میکنند که تمام افراد مملکت منحصر است بهمان عده وزراء و وکلاء در صورتیکه مردم هم هستند و نمایعانی هم بین مردم هستند و اطلاعاتی دارند. میگویند که اسباب نگرانی است. میگویند از مستنطقی میپرسند که چه کرده اید؟ شما یک جرم غیر مشهودی را فوراً کشف میکنید. چطور یک جرم مشهودی را که در روز روشن پشت مسجد سپهسالار واقع شده است کشف نکرده اند. مستنطق در جواب میگوید از من تعقیب است و قرار صادر کردن اجرائش که دیگر با من نیست. وقتی باجرا میرسد مست میشود. اگر اینطور است چرا باید اینطور باشد؟ اگر اینطور نیست پس چرا یک دزدی که در اقصی نقاط طهران میشود و هیچ نه دزد معلوم است و نه رد آن فوری کشف میشود؟ ولی این کار باین بزرگی هنوز کشف نشده است این را استدعا میکنم آقا جواب بدهند.

وزیر مالیه - تصور میکنم عرایضی که شد جواب آقای باسداد هم بود و البته این مسئله همان طور که آقایان میدانند اهمیتش غیر از سایر مسائل عادی است که اتفاق میافتد و متأسفانه آن اشخاصی که این ارتکاب را کرده اند شاید یک تدارکات دیگری هم قبل از وقت برای خودشان کرده اند و اینکه فرمودند (مردم) مردم ماها هستیم. زیرا نمایندگان مجلس و دولت در یک کاری که اقدام میکنند البته مردم هم توجه دارند و نظر میکنند که از اینجا چه نتیجه بیرون میآید و تصور میکنم مردم هم غیر از این نظری نداشته باشند و امیدوارم که دولت هم در وظیفه خودش کوتاهی نکند تا به نتیجه برسیم.

رئیس - جلسه آتی روز یکشنبه سه ساعت و نیم قبل از ظهر چیزی که در دستور حاضر است دو فقره راپرت کمیسیون بودجه راجع بشهریه وراث مرحوم حاج شیخ عبدالنبی و وراث مرحوم نصر. مجلس یک ساعت بعد از ظهر ختم شد.

رئیس مجلس شورای ملی - سید محمد تادین

منشی - عبدالامیر منشی - امیر تیمور

صادر کردند و خودشان هم کاملاً مراقب اند که نتیجه مطلوبه زودتر حاصل شود و البته تصدیق میفرمایند چون مشغول استنطاق میباشند و در ابتداء هم مسلماً استنطاقات محرمانه است نمیتوانم عرض کنم که کار بخاتمه رسیده است ولی مشغول تحقیقات هستیم و تصور میکنم باین جدیت اعلیحضرت و هیئت دولت و تقاضاهائی که آقایان در این باب دارند این مسئله بزودی کشف شود که رفع نگرانی بشود.

رئیس - آقای عراقی. (اجازت)

عراقی - بنده خیلی متأسفم از اینکه این عرض را میکنم. فرمایش آقای وزیر مالیه باروز اول هیچ تفاوت ندارد. آنچه را که روز اول میفرمودند امروز هم همان را فرمودند.

بعضی از نمایندگان - چه بکنند؟

عراقی - اجازه فرمایید. بعد هر کدام میخواهید دفاع کنید ایشان آروز اول میگفتند ما مشغول استنطاقات مقدساتی هستیم. نمیتوانیم بگوئیم چونکه باید محرمانه باشد تا قضیه کشف شود. امروز هم میفرمایند مشغول استنطاقات مقدساتی هستیم با اینکه خودشان تصدیق میفرمایند که شخص اعلیحضرت هم امر اکید فرمودند بنابراین در یک همچو قضیه ما بایستی بفهمیم آیا مستنونین و اشخاصی را گرفته اند که طرف سوهظن باشند. و آیا در مقام این برآمده اند که کار اصلاح شود البته آقایان نمایندگان تصدیق میفرمایند که در یک چنین قضیه مسئول بنده و سایر آقایان نمایندگان هیئت دولت است و باید در این قبیل قضایا و سایر قسمت های دیگر از هیئت دولت سئوال کنیم و جواب بدهند ولی وقتی که سئوال ادامه پیدا کرد نمایانم عاقبت سئوال را به چه باید خاتمه بدهیم بنده عرض میکنم اگر آقایان میتوانند بما اطمینان بدهند که تا پنج شش روز دیگر قضیه کشف میشود البته بنده و سایر آقایان محترم نانع میشویم والا اگر بهمین ترتیب جلسه یکشنبه هم بنده یا یکی دیگر از آقایان سئوال کنیم بعد بلند شوند و همین جواب را بما بدهند که ما حقیقت را هنوز کشف نکرده ایم و بعد خبر میدهیم یواش یواش ما هم سرد میشویم و وکلاء هم رفته رفته از هم دیگر می شنوند که خوب آقای مدرس که الحمد لله حالشان خرابست و همین چند روزه هم بمجلس تشریف میآورند و مطلب از بین خواهد رفت.

وزیر مالیه - بنده نمیتوانم تصور کنم که آقایان نمایندگان مستنظر باشند که جزئیات مسئله در اینجا عرض شود البته تاروزی که قضیه کاملاً کشف نشده باشد در این باب جواب ما باروز اول فرق نمیکند و تا مسئله کاملاً کشف نشده بنده نمیتوانم جزئیات را غیر از آنچه که امروز عرض کردم در اینجا عرض کنم البته شاید چند روز